

بررسی تاثیر قول سدید در اصلاح روابط گفتاری براساس آیه ۷۰ سوره احزاب و آموزه‌های نهج البلاغه

مریم قاسمی کجانی^۱

چکیده:

قدرت بیان از نعمتهای خاص خداوند بر بندگان خویش است. انسان با بهره گیری از قدرت بیان معانی ادراک شده را در قالب لفظ و گاهی در قالب به کارگیری دال و مدلولهایی غیر لفظی با دیگران به اشتراک می گذارد. قرآن کریم آموزه‌های صریحی درباره گفتار انسانی دارد. قول سدید از گزاره های قرآنی مرتبط با گفتار درست است. مسئله پژوهش حاضر تاثیر قول سدید و گفتار درست و استوار بر روابط گفتاری انسانهاست. تنش های لفظی، اختلالات موجود در روابط درون و بیرون خانواده، پیامدهای تلخی مانند خشونت کلامی در فضای خانواده و جامعه، و ... از ضرورت های پرداختن به این مسئله هستند. طی مطالعات کتابخانه ای و تحلیل داده های منابع دینی در موضوع مرتبط ادعای فرضیه مبنی بر تاثیر مثبت رعایت اصل قول سدید بر روابط میان فردی و افزایش اعتماد و امنیت روانی در خانواده و جامعه قابل اثبات بوده و راهکارهای اجرایی دارد. از نتایج مهم پژوهش ارتباط گفتار و تاثیرپذیری روابط گفتاری از ایمان و تقوا و تاثیر گذاری قول سدید بر رفتار انسان و ایجاد فعل سدید است.

مقدمه:

زبان و روابط گفتاری از پدیده های اجتناب ناپذیر حیات انسان هستند. امنیت فرد و جامعه تا حدی وابسته به اعتماد و امنیت در روابط میان فردی دارد. اصلاح ذات بین که از عبارات مشهور در منابع دینی است در واقع ضرورتی است که ضامن امنیت در روابط انسانی است. «قول سدید» عبارتی است قرآنی که بیانگر الگوی گفتار انسان است. پژوهش حاضر در صدد بررسی تاثیر قول سدید به معنای گفتار دقیق و راست و درست بر روابط گفتاری میان فردی است. به نوعی تغییر در یک رفتار فردی مثل سخن گفتن تاثیر خود را در یم امر اجتماعی که کوچکترین مصداق آن روابط دو به دو انسانی است نشان می دهد. معضلات موجود در جامعه انسانی اعم از تنش در اقسام روابط انسانی، عواقب سوء بدخلقی ها و ... در روابط بر سایر اعضای جامعه، هزینه تراشی برای نظام قضا جهت رسیدگی به اختلالات و اختلافات در روابط انسانها، و حتی مواجه شدن با پیامدهای تلخ تری نظیر قتل و جنایت در اثر ناهنجاریهای موجود در روابط افراد ضرورت پراختن به این مسئله پژوهشی است. قول سدید در مقالاتی که از حیث علمی در دامنه دانش علوم قرآنی گرایش تفسیر نوشته می شود و همچنین در مقالاتی که مرتبط با موضوع ارتباط

^۱ . طلبه سطح ۲ مدرسه بانو امین (ره).

شناسی انسانها و تاثیر نحوه سخن گفتن و لزوم دقت در آن و بهره گیری به جا از آن موبت الهی نوشته شده است . اما مسئله پژوهش حاضر عینا در آن مقالات و کتب یافت نشد. مفهوم شناسی قول سدید و روابط گفتاری و تفسیر و تحلیل فرا لغوی با تکیه بر متون دینی ، و تبیین قوق سدید و تاثیر آن بر افعال آدمی و ارتباط آن با غفران و اصلاح الهی و تاثیر آن بر روابط گفتاری دامن، پژوهش حاضر است. نوع پژوهش تحلیلی و متن محور بوده و روش گردآوری کتابخانه ای می باشد و در دسته تحقیات بنیادی قرار میگیرد. واژگان کلیدی عبارتند از : قول، سدید، ارتباط گفتاری. که پس از مفهوم شناسی به تبیین روابط بین آنها پرداخته شده است.

۱- مفهوم شناسی

قول- مص {ع} {ع} گفتن، سخن، گفتن گفتار، سخن، کلام، اقوال جمع. قاویل جمع جمع^۱

القول: مص و-: سخن-رای و عقیده، اعتقاد.

ج-اقوال و اقایل «القول الفصل» سخن جدا کننده حق از باطل-قا: گواهی، شهادت و یا اقرار به طور مطلق^۲

قول: قول وقیل به معنی مطلق سخن گفتن و سخن است در اقرب الموارد گفته قول به معنی کلام یا هر لفظی است که زبان آن را افشاء می کند تمام باشد یا ناقص ، قاموس نیز چنین گفته است .^۳

السدید: راست و درست-محکم و استوار.^۴

سدید: ص {ع} {س د} محکم و استوار-راست و درست.^۵

قول سدید: یعنی قول صواب و محکم که باطل را در آن راهی نیست و از ورود باطل بسته شده است. از حیث معنای لغوی قول سدید گفتاری است که مانند سد است و هیچ شکافی در آن براب رخنه باطل وجود ندارد. مصادیق باطل در گفتار در قرآن کریم و روایات آمده است. نظیر دروغ، سخن چینی، قسم جدی اما بیهوده ، غیبت دیگران، پیگیری شایعات در جامعه اسلامی و

«ترکیب واژگانی «قول سدید» از نظر معنا و مفهوم یکی از واژه-های مهم قرآنی است که تاکنون با رویکرد معناشناختی بررسی نشده است. از طرفی هر گاه واژه سدید با واژه قول در کنار یکدیگر به کار رفته است، به واژه قول سرایت کرده و «قول سدید» را به معنای قولی محکم و بدون خدشه و شک، تبدیل می-کند. ترکیب «قول سدید»

^۱ فرهنگ عمید ، واژه قول عمید حسن،

^۲ ، فرهنگ لاروس، واژه قول جرّ خلیل.

^۳ قریشی علی اکبر، قاموس قرآن، واژه قول .

^۴ جرّ خلیل، فرهنگ لاروس، واژه سدید.

^۵ عمید حسن، فرهنگ عمید ، واژه سدید

در قرآن کریم از دایرة تنوع گسترده معنایی از قبیل قول معروف، حسن، میسور و بلیغ برخوردار است و در معانی مختلفی از جمله محکم و غیر قابل نفوذ و بدون هیچ شکافی به کار رفته است.^۱

روابط: روابط جمع رابطه است. رابطه: آنچه دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط می‌دهد؛ علاقه بین دو تن یا دو چیز؛ علاقه؛ پیوند.^۲ مترادف با «ارتباط»: (امص.) بستگی، پیوستگی، رابطه. ج. ارتباطات.

گفتار: سخن. حدیث. مقاله.^۳

روابط گفتاری: تعریف روابط گفتاری، مبتنی بر معانی لغوی این دو واژه و در واقع یک تعریف اصطلاحی است. رابطه ای که بین حداقل دونفر انسان شکل می‌گیرد و ابزار آن گفتار است. این نوع ارتباط از مصادیق ارتباط «میان فردی» و «مستقیم» است «ارتباط انسان با انسان، ازیک سو قابل تقسیم به دو دسته بزرگ ارتباط مستقیم و غیر مستقیم است و از سوی دیگر میتوان بر اساس تعداد مشارکت کنندگان در ارتباط، آن را به ارتباط درون فردی، ارتباط میان فردی، ارتباط گروهی، ارتباط عمومی و ارتباط جمعی یا رسانه‌ای تقسیم کرد....»^۴

ارتباط قول سدید با روابط گفتاری و تاثیر آن بر بهبود روابط گفتاری از سنخ رابطه میان قول و فعل است. محل رابطه جهان عین است اما ریشه‌های آن در جهان ذهن انسانهاست. بنابراین اصلاح یا تغییر در روابط عینی انسانها مستلزم اصلاح و تغییر در افکار و عقاید و باورها و در نهایت در رفتار های عینی آنهاست قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ «سول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «ایمان بنده ای استوار نمی‌شود مگر دلش استوار شود، و دلش استوار نمی‌گردد مگر زبانش استوار شود». با عنایت به این روایت شریف و روایاتی با مضامین هم‌نوا پرده از ارتباط شگفت میان قول و فعل از یک سو و ارتباط گفتار هر انسانی با باورها و اندیشه های او از سوی دیگر برداشته می‌شود.

«خداوند درباره شیوه سخن گفتن در قرآن صیه‌هایی به بندگان می‌کند برخی از این توصیه‌ها با آوردن صفاتی برای کلمه قول طرح می‌شود خداوند به بندگان می‌فرماید گفتار استوار بگوئید تا اعمالتان صالح گردد.»^۵

اما پیش از آن که گفتار دقیق و راسخ انسانی بر افعال انسان تأثیرگذار باشد تأثیر ایمان و فکر منتظم بر استواری کلام جای دقت و توجه دارد. «آنچه مومن را ز منافق تمیز می‌دهد این است که مومن وقتی حرف می‌زند احساس

۱. ساز چینی، علوی مهر، موسوی، معنا شناسی توصیفی قول سدید در قرآن کریم، صص: ۱۹۵ تا ۲۲۱.

۲. همان، واژه رابطه.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، واژه گفتار.

۴. محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی، ص ۵۲۱.

۵. نجفی، مریم، جایگاه سخن گفتن برای برقراری روابط اجتماعی در قرآن کریم، صص: ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۹.

مسئولیت می‌کند از این رویش از سخن گفتن بسیار می‌اندیشد در حالی که منافق بدون فکر و اندیشه کلامی بر زبان می‌آورد و خود را گرفتار می‌سازد.^۱

اما از میان تقسیم‌بندیهای گوناگون که به اعتبارهای مختلف صورت می‌گیرد ارتباط گفتاری محل بحث پژوهش حاضر است. محور اصلی در ارتباط گفتاری «زبان» است. «زبان گذشته از مفهوم لغوی، یعنی اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان و مهم‌ترین ابزار گویایی و نیز گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی یا انگلیسی، یکی از جنبه‌های اسرارآمیز وجود انسان است که با توجه به پیچیدگی و گستردگی آن پس از قرن‌ها کاوش هنوز به طور بایسته شناخته نشده است... زبان [گفتار] یکی از تواناییهای ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است. تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است.^۲»

واقعیت این است که سخن گفتن و پدیده زبان به دلیل تکرار در زیست روزمره در نگاه اول چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد اما طی مطالعات دقیق و خصوصاً در متون روایی و در نگاه قرآنی از ظرایف و نکات ویژه برخوردار است. «زبان به این دلیل که اصلی‌ترین وسیله ارتباط انسان‌ها با یکدیگر به شمار می‌آید ارزش بسیاری دارد در برقراری رتباط با دیگران اولین نگرش و برداشت از انسان مربوط به نحوه گفتار اوست و محتوای حرف‌ها شخصیت و نگرش انسان را مشخص می‌کند.»^۳

بنابراین روابط گفتاری محصول به کارگیری آگاهانه و ارادی توانایی بر ایجاد ارتباط و اظهار ما فی الضمیر توسط انسان است. بر خلاف آنچه آدمی این پدیده را ساده و تکراری و سطحی می‌بیند، تکلم و به کارگیری آن برای برقراری ارتباط با دیگری نه تنها ساده نیست بلکه در دین مبین اسلام قوانین و ساز و کارهای خاص خود را دارد.

«پس سخن و بیان، تنها به کارگیری ریه و حنجره و ایجاد صدا نیست، بلکه انسان با الهام الهی از توالی اصوات و آواها حرف و از ترکیب حروف علایمی برای رساندن یک مفهوم می‌سازد.»^۴

در روابط گفتاری واژه‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و روابط دالی و مدلولی میان واژه‌ها به شکل‌گیری روابط گفتاری انتظام می‌بخشند اما در تبیین معنای روابط گفتاری یا کلامی محوریت با فرد است نه الفاظ و معانی. چرا که انسان می‌تواند در معانی تصرف کند.

«... معنی‌ها آموخته می‌شوند. آنها چیزی شخصی هستند و دارایی‌های ما محسوب می‌شوند. ما معنی‌ها را یاد می‌گیریم، بر آنها می‌افزاییم، آنها را نابود می‌کنیم و [و گاهی] قادر بر یافتن آنها نیستیم. آنها در ما هستند نه در

۱. شجاعی، احمد، سخن نیکو از منظر قرآن، صص: ۱۱۵ تا ۱۲۲.

۲. سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، ص ۸.

۳. موسوی زاده، احترام سادات، نور محمدی، غلامرضا، الگوهای گفتاری در قرآن کریم، صص ۳۳ - ۶۶.

۴. همان، ص ۱۱.

پیامی که [بین ما و دیگری] جابجا می‌شود.^۱ غرض اینکه در تبیین مفهوم شناسی روابط گفتاری باید به این نکته اجمالاً توجه داشت که روابط گفتاری قائم به افراد بوده و جوهره این روابط و ماهیت و صلاح و فساد آن تابع طرفین رابطه است.

«ارتباط در برگیرنده انتقال معنی نیست. معنی چیزی قابل انتقال و منتقل شده نیست. فقط پیام است که قابل انتقال است و معنی درون پیام نیست. معنی‌ها در استفاده‌کنندگان پیام‌ها هستند.»^۲

این نکته را دیوید برلو نخستین بار در سال ۱۹۵۸ مطرح نموده است.^۳ پس از او نیز به انحاء مختلف در مقالات دانش ارتباطات انسانی آمده‌اس. برای مثال بورگون در مقاله «فریب‌خوردگی میان فردی» می‌نویسد: «معنی در کلمه نیست بلکه در مردمی است که از کلمه را به کار می‌برند. کلمات نمادهایی مناسب برای به اشتراک گذاری معنی هستند. معنی آن چیزی است که ما قصد آن را کرده و برای آن از زبان استفاده می‌کنیم. از آنجا که معنی در افراد است ارتباطات به اندازه افرادی که از آن استفاده می‌کنند. پدیده‌ای شخصی است.»

رونالد بی ادلر در کتاب درک ارتباطات انسانی می‌نویسد: «معانی در انسان‌ها آرمیده اند نه در کلمات».

نتیجه اینکه گستره معنایی روابط گفتاری نه فقط محدود در معنای گفتار که شامل گوینده، ویژگیهای او، واقعیت بیرونی و ... نیز می‌گردد چرا که اینها عناصر مهم شکل‌گیری و بقای روابط گفتاری هستند. سخن در این باب بسیار است که نقل آنها از حوصله این مقاله خارج است.

۲- گفتار و سخن در قرآن

در قرآن کریم در موضوع گفتار و سخن اشارات گوناگونی صورت گرفته است. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین بیانات قرآن در رابطه با نعمت گفتار انسانی آیه شریفه «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۴؛ به او بیان آموخت؛^۵ باشد. ضرورت توجه به جملاتی که توسط فرد نمازگزار گفته می‌شود،^۶ تطابق گفتار با رفتار خصوصاً درباره مومنین^۷ توصیه به سخن نرم و لین^۸ ضرورت گویش نیکو با مردم^۹ امر به مومنین مبنی بر برگزیدن و گفتن بهترین سخنان^{۱۰} پرهیز از بالا بردن صدا

۱. محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی، ص ۹۲.

۲. همان.

۳. همان، صص ۹۵.

۴. الرحمن/۴.

۵. نساء/۴۳.

۶. صف/۲.

۷. طه/۴۴.

۸. بقره/۸۳.

۹. اسراء/۵۳.

هایی روایی و عرضه آنها بر ساحت قرآن کریم حاکی از اهمیت فوق العاده تنظیم گفتار بر اساس صدق و پرهیز از لغو بودن یا مفاسدی که متوجه قول صادق نیز می تواند باشد، است.

در سوره مومنون در توصیف ویژگیهای مومنین به «اعراض از لغو» اشاره شده است. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» «سخن لغو کلام غیر قابل اعتنایی است که از روی فکر و اندیشه نباشد... گاهی هر سخن قبیح و زشتی «لغو» نامیده می شود» «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا»^۱ در آنجا نه سخن بیهوده ای می شنوند و نه دروغ و تکذیبی. و گاهی به چیزی که بدون اعتنا و توجه گفته شود «لغو» می گویند. مانند سوگندهایی همچون والله و بالله که بر حسب عادت (نه از روی قصد و عمد) در بین سخن آورده شود. «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ»^۲: خدا شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی هدفان مجازات نمی کند، ولی به سبب [شکستن] سوگندهایی که به طور جدی و با قصد و اراده خورده اید، مؤاخذه می کند. علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان معنای لغو را فراتر از محدوده گفتار تعریف نموده اند.

«کار (لغو) آن کاری است که فایده نداشته باشد، و بر حسب اختلاف اموری که فایده عاید آنها می شود مختلف می گردد. چه بسا فعلی که نسبت به امری لغو، و نسبت به امری دیگر مفید باشد.

پس کارهای لغو در نظر دین، آن اعمال مباح و حلالی است که صاحبش در آخرت و یا در دنیا از آن سودی نبرد و سر انجام آن، منتهی به سود آخرت نگردد مانند خوردن و آشامیدن به انگیزه شهوت در غذا که لغو است، چون غرض از خوردن و نوشیدن گرفتن نیرو برای اطاعت و عبادت خدا است. بنابراین اگر فعل هیچ سودی برای آخرت نداشته باشد، و سود دنیایی اش هم سر انجام منتهی به آخرت نشود، چنین فعلی لغو است و به نظری دقیق تر، (لغو) عبارت است از غیر واجب و غیر مستحب»^۳. بنابراین باید در تنظیم رفتار انسان موحد بر مبنای این آیه شریفه باید به این نکته توجه داشت که: ««قول» در این آیه و آیاتی مانند مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ... در برابر فعل نیست بلکه اعم از قول و فعل مراد است، و اکتفا به ذکر خصوص «قول» برای شاخص بودن آن است.»^۴ به کارگیری آموزه آیه شریفه با این نگاه قابلیت اجرا و تاثیر شایان خواهد داشت.

نکته ظریف در آیه شریفه این است که خداوند از ترک لغو سخن نمی گوید بلکه «اعراض» از لغو را به مؤمنین نسبت می دهد.

۱. نبأ/۳۵.

۲. مائده/۸۹.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۵، ص ۹.

۴. جوادی آملی، عبدالله، همان، ج؟، ص؟

«... خدا مؤمنین را به این صفت ستوده که از لغو اعراض می کنند، و اعراض غیر از ترك به تمام معنا است. ترك امری است عدمی و اعراض امری وجودی، اعراض وقتی است که محرك و انگیزه ای، آدمی را به سوی اشتغال به فعلی بخواند و آدمی از آن اعراض نموده به کاری دیگر بپردازد، و اعتنایی به آن کار نکند. و لازمه اش آن است که نفس آدمی خود را بزرگتر از آن بداند که به کارهای پست اشتغال ورزد، و بخواهد که همواره از کارهای منافی با شرف و آبرو چشم پوشیده، به کارهای بزرگ و مقاصد جلیل بپردازد... و از همین جا روشن می شود که وصف مؤمنین به اعراض از لغو کنایه است از علو همت ایشان، و کرامت نفوسشان»^۱

بنابراین حضور و آگاهی در لحظه نسبت به رفتار و گفتار لازمه قول و فعل سدید است. تشخیص مصلحت در لحظه و در رابطه با موضوع مبتلا به و قدرت اجرای دستورات عقل و پابندی به شأن والای انسانی و ایمانی از نتایج رعایت محتوای آیه شریفه است. سوال احتمالی اینکه اعراض از لغو در حیطه رفتار است یا گفتار و یا هردو؟ پیوند میان آیه ۷۰ با آیه مابعد، پیوند معناداری میان گفتار و رفتار آدمی را نشان می دهد. ارتباط و پیوستگی میان قول و فعل آدمی تا جاییکه تغییر در ساحت گفتار آثار مثبت خود را در حیطه رفتار نیز نشان می دهد.

۲-۱-۲: تأثیر قول سدید بر اعمال انسان

«يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» ت ۱۲ [خدا] اعمالتان را برای شما اصلاح کند و گناهانتان را بر شما بیامرزد. و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است.

پیوند میان گفتار و رفتار علاوه بر آیات قرآن کریم در روایات نیز آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ أَرَادَ السَّلَامَةَ فَلْيَحْفَظْ مَا جَرَى بِهِ لِسَانُهُ وَ لِيُحْسِنْ عَمَلَهُ وَ لِيَقْصُرْ أَمَلَهُ^۳.

هر که سلامت خواهد، مراقب گفتار خویش باشد و از آنچه در دل دارد چیزی به زبان نیارد، عمل نیک کند و آرزو کوتاه دارد. و نیز لِإِمَامٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ زَكَا عَمَلُهُ: هر که زبانش راست باشد، کردارش پاکیزه است.^۴ علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۷۱ سوره احزاب می فرماید:

«(اصلاح اعمال) و (مغفرت ذنوب) را نتیجه قول سدید دانسته، و فرموده: قول سدید بگویید، تا اعمالتان صالح گردد، و گناهانتان آمرزیده شود، و این بدان جهت است که وقتی نفس آدمی عادت کرد به راستی، و به قول سدید، و به هیچ وجه آن را ترك نکرد، دیگر دروغ از او سر نمی زند، و سخن لغو، و یا سخنی که فساد از آن برخیزد از او شنیده نمی شود، و وقتی این صفت در نفس رسوخ یافت، بالطبع از فحشاء و منکر، و سخن لغو دور گشته، در چنین

۱. همان.

۲. احزاب/۷۱.

۳. عابدینی مطلق، کاظم، همان، ص ۳۴، ح ۲۸۳۴.

۴. محمدی ری شهری، محمد، همان، ج ۶، ص ۱۷۷، ح ۱۰۳۲۶.

وقتی اعمال انسان صالح می شود، و بالطبع از عمری که در گناهان مهلك صرف کرده، دریغ می خورد، و از کرده ها پشیمان می گردد، و همین پشیمانی توبه است.^۱ توبه ناشی از آگاهی فرد از نسبت میان خود و جهان هستی و نسبت خود و هم نوعان و مهم تر از همه نسبت میان خود و خالق و مبدأ خویش است. افراد آگاه موفق به توبه نصح می شوند چرا که آنان به اعوجاج عمل نادرست خویش در منظومه خلقت کما بیش پی می برند و در صدد توبه و اصلاح رفتار خویش بر آیند. این رویکرد اگر در روابط میان فردی جریان یابد نه تنها عامل بهبود و اصلاح روابط می گردد بلکه روابط فردی به بستری برای رشد و تعالی فردی تبدیل می گردد. فهم انسان از رفتار خویش و پذیرش ضریب خطا در رفتار خود و پرهیز از ایده آل گرایی به منظور حذف مطلق خطا در رفتار انسان نتایج خوبی مثل عدم یأس و نا امیدی در بر خواهد داشت. چنین فردی به جای نتیجه گرایی و سنجش خود بر اساس رضایت مندی دیگران و یا مقایسه خود با دیگران «یقین» را حجت خود قرار داده و با تکیه بر اسمای حسنی الهی و با تکیه بر توحید ربوبی رفتار می کند. استقامت در راه حق موجب جلب رحمت رحیمیه الهی و هدایت خاصه از جانب او خواهد بود. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»^۲

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند:] مرسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد.

نتیجه این دیدگاه اولاً فعل سدید در حوزه فردی و روابط سالم و بدون حاشیه و استوار در حوزه میان فردی خواهد بود. چنین فردی قطعاً مشمول قاعده جباریت الهی گشته و آنچه را در طی مسیر حق به واسطه غفلت یا جهل یا غلبه هوای نفس از دست داده به واسطه هشیاری پس از غفلت به خود آمده و با استغفار و توبه دوباره در مسیر مستقیم قرار می گیرد. و این وعده الهی در قرآن کریم است.

«اگر گفتار و رفتار آدمی، محکم، متقن علمی و به برهان مستند باشد، خدای سبحان اعمال ناقص و فاسد او را کامل و تصحیح کرده و لغزش ها و گناهانش را می آمرزد و آنان که با قول سدید از خدا و پیامبرش اطاعت می کنند، به رستگاری عظیم و خیر دنیا و آخرت خواهند رسید... قول سدید بر خلاف قول شدید مشکلات را حل میکند. اگر انسان گفتار و رفتاری محکم، متقن و علمی داشته باشد نه بی برهان و دلیل، و آنجا هم که دلیل دارد نظم امنیت امانت و عرض و آبروی جامعه را حفظ کند نتیجه آن چند دستاورد است^۱. خدا اعمالش را که کامل نیست، اصلاح می کند و با ملکه شدن این صفت در او طبعاً از فحشا و منکر و لغو جدا، و اعمالش نیکو می گردد: يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ^۲. خدا لغزش های او را می آمرزد و يُعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»^۳ و این هر دو جریان اسمای حسنی الهی در حیات فرد

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶۶، ص ۵۲۳.

۲. فصلت / ۳۰.

۳. جوادی آملی، عبد الله، همان، ج ۴، ص ۴.

است. سنت مغفرت و اصلاح و جبران که شامل فرد درستکار می‌گردد. و آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که انسان در این راه قرار بگیرد و برای ورود به این راه باید از اصلاح گفتار و رعایت اصل قول سدید آغاز کند. اَكْثَرُ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْمَنْبَرِ يَقُولُ : اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا).

نتیجه‌گیری :

- قول سدید: یعنی قول صواب و محکم که باطل را در آن راهی نیست و از ورود باطل بسته شده است. از مصادیق قول سدید سخن صادقانه است و از مصادیق قول غیر سدید: سخن لغو است.
- روابط گفتاری: رابطه‌ای که بین حداقل دونفر انسان شکل می‌گیرد و ابزار آن گفتار است.
- ارتباط قول سدید با روابط گفتاری و تاثیر آن بر بهبود روابط گفتاری از سنخ رابطه میان قول و فعل است. محل رابطه جهان عین است اما ریشه‌های آن در جهان ذهن انسانهاست.
- در نتیجه قول سدید خدا اعمال فرد را که کامل نیست، اصلاح می‌کند و خدا لغزش‌های او را می‌آمرزد و يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ. و این هر دو جریان اسمای حسناى الهی در حیات فرد است.
- در جامعه اگر افراد قانون قول سدید را جدی گرفته و برای اجرای آن تلاش کنند، تنش و جرائم ناشی از آن به طور چشمگیری اصلاح خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد علی، الخصال محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ه. ش.
۲. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، مترجم طبیبیان، سید محمد، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، بی‌تا.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ش.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ه. ش.
۵. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: سبحان، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۶. سعیدی‌روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه. ش.
۷. عابدینی مطلق، کاظم، مجموعه کبیر، قم: نشر فراگفت، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ه. ش.

۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر، ششم، ۱۳۷۵. ه. ش.
۹. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱. ه. ش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان**، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۷. ه. ش.
۱۱. محسنیان راد، مهدی، **ارتباط شناسی**، تهران: سروش، نوزدهم، ۱۳۹۸. ه. ش.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمة**، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ هشتم، ۱۳۸۶. ه. ش.
۱۳. معین، محمد، **فرهنگ معین**، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، بی تا.
۱۴. نراقی، محمد مهدی، **جامع السعادات**، بیروت: اعلمی، چاپ چهارم، بی تا.

مقالات

۱۵. سازچینی، مرتضی، علوی مهر، حسین، موسوی، سید محمد، «معنا شناسی توصیفی قول سدید در قرآن کریم» ذهن "تابستان ۱۳۹۸- شماره ۷۸.
۱۶. شجاعی، احمد، «سخن نیکو از منظر قرآن» معرفت "، ه. ش، شماره ۱۵۲.
۱۷. گلاب بخش، زینب، «بررسی عناصر پایداری ارتباط میان فردی در قرآن و روایات»، فرهنگ پژوهش: : بهار ۱۳۹۰ _ شماره ۱۰
۱۸. موسوی زاده، احترام سادات، نور محمدی، غلامرضا، «الگوهای گفتاری در قرآن کریم»، نشریه اندیشه های قرآنی متفکران معاصر، ۱۳۹۴. ه. ش، شماره ۱۱۳.
۱۹. نجفی، مریم، «جایگاه سخن گفتن برای برقراری روابط اجتماعی در قرآن کریم» مجموعه مقالات اولین همایش ملی قرآن و روانشناسی.